



رضا معطریان / ایران

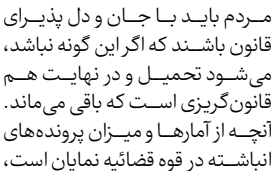
فرایند جامعه‌پذیری مختل شده است

پیشگیری از جرم با احیای محله

گزارش

مهسا قلی‌بوب

خبرنگار



مردم باید با جان و دل پذیری قانون باشند که اگر این گونه نباشد، می‌شود تحمیل و در نهایت هم قانون‌گریزی است که باقی می‌ماند. آنچه از آثارها و میزان پرونده‌های انباشته در قوه قضائیه نمایان است، این است که قانون باید بازبینی شود، آنجا که نیاز است تغییر کرده و آنجا که لازم است بازویسی یا از نو تبیین شود. اینکه گاهی می‌شویم، ایرانی‌ها قانونمدار نیستند، حرف نادرستی است، این فرایند قانون است که فرزندان می‌شود اما به صورت گذشته‌تر عمو، عمه، دایی، خاله و نسبت‌های بعدی هم قرار دارند. قدیم‌ترها، پچه‌ها توسط اعضای خانواده جامعه‌پذیری می‌شدند، حالا خانواده‌ها بشدت کوچک و از خویشاوندان دور شده‌اند. یک کودک ممکن است سال تا سال عمو، دایی یا خاله و عمه خود را نبینند، پدر و مادر خود را هم نبینند چه برسد به اقوام و فامیل. برخی از پدرها وقتی که دیگر کودک به خواب رفته از سر کار باز می‌گردند و این اتفاق ممکن است به صورت روئین و به کرات هم تکرار شود، پس می‌توانیم به جرأت بگوییم که تعامل بین بیشتر خانواده‌ها بشدت کاهش یافته و جامعه‌پذیری نیز در آن خانواده‌ها به درستی انجام نمی‌شود. به تعبیر انتظاری، در برخی از خانواده‌ها اولویت اصلاً خانواده نیست و بحث فقط مسائل اقتصادی است یا اینکه نگاه سیاسی و گرایش‌های سیاسی دخیل باشد، عنوان می‌کند: «نیاز است تا مناسبات و نظام‌های هنجاری دیده شود. شرایط نرمال جامعه در این است که نظام هنجاری جامعه به قانون تبدیل شود. علت وجود افراد شکل گرفته و تداوم پیدا کرده است. باید تدبیری اندیشیده شود. تدبیری جامعه‌شناختی با توجه به اینکه با زور جلو جرم گرفته نشود بلکه سوق پیدا نکردن به سمت جرم در مردم به صورت نهادینه وجود داشته باشد.»

نگاهی بر فرایند جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری را باید از منظرهای مختلفی دید، خانواده، مدرسه و محله هریک به نوعی در جامعه‌پذیری نقش دارند به گونه‌ای که در حال حاضر هرسه عامل لطمات زیادی را به افراد یک جامعه وارد ساخته و حجم بالای انباشت پرونده‌های قضایی شده‌اند

دارد و گام‌هایی مؤثر در جهت رفع آنها برداشت.

کاهش تعامل بین اعضای خانواده

اعضای یک خانواده شامل پدر، مادر و فرزندان می‌شود اما به صورت گسترده‌تر عمو، عمه، دایی، خاله و نسبت‌های بعدی هم قرار دارند. قدیم‌ترها، پچه‌ها توسط اعضای خانواده جامعه‌پذیری می‌شدند، حالا خانواده‌ها بشدت کوچک و از خویشاوندان دور شده‌اند. یک کودک ممکن است سال تا سال عمو، دایی یا خاله و عمه خود را نبینند، پدر و مادر خود را هم نبینند چه برسد به اقوام و فامیل. برخی از پدرها وقتی که دیگر کودک به خواب رفته از سر کار باز می‌گردند و این اتفاق ممکن است به صورت روئین و به کرات هم تکرار شود، پس می‌توانیم به جرأت بگوییم که تعامل بین بیشتر خانواده‌ها بشدت کاهش یافته و جامعه‌پذیری نیز در آن خانواده‌ها به درستی انجام نمی‌شود. به تعبیر انتظاری، در برخی از خانواده‌ها اولویت اصلاً خانواده نیست و بحث فقط مسائل اقتصادی است یا اینکه نگاه سیاسی و گرایش‌های سیاسی دخیل باشد، عنوان می‌کند: «نیاز است تا مناسبات و نظام‌های هنجاری دیده شود. شرایط نرمال جامعه در این است که نظام هنجاری جامعه به قانون تبدیل شود. علت وجود افراد شکل گرفته و تداوم پیدا کرده است. باید تدبیری اندیشیده شود. تدبیری جامعه‌شناختی با توجه به اینکه با زور جلو جرم گرفته نشود بلکه سوق پیدا نکردن به سمت جرم در مردم به صورت نهادینه وجود داشته باشد.»

نگاهی بر فرایند جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری را باید از منظرهای مختلفی دید، خانواده، مدرسه و محله هریک به نوعی در جامعه‌پذیری نقش دارند به گونه‌ای که در حال حاضر هرسه عامل لطمات زیادی را به افراد یک جامعه وارد ساخته و سبب بوجود آمدن حجم بالای انباشت پرونده‌های قضایی شده‌اند. باید دید در هر یک از این عوامل چه اختلالاتی وجود

یا مقامی نسبت داده می‌شود که می‌تواند به فرد تحت اقتدار دستوری بدهد و فرد تحت اقتدار از او پیروی می‌کند. اقتدار، به فرد یا مقامی نسبت داده می‌شود که فرد یا افراد تحت اقتدار از آن فرد مقتدر اطاعت می‌کنند.)

این جامعه‌شناس می‌افزاید: «در گذشته کودکان از پدر و مادر می‌آموختند ولی حالا برعکس شده، باید از قبل برای این شرایط طراحی می‌شد تا فرایند جامعه‌پذیری مختل نشود اینها باید تدبیر می‌شد.»

نقدی بر جنایت

سیستم کنترل موالید

مدتی است شاهد هستیم سیاستمداران و جامعه‌شناسان نگران در حوزه جمعیت‌شناسی نگران سالمندی جمعیت و حرکت به سمت کشوری با جمعیتی غیرفعال هستند. در حقیقت می‌توانیم بگوییم که سیستم کنترل موالید با جنایت برخی سبب شد به اینجا برسیم. این حرف تأسلف‌آور را انتظاری می‌زند و در ادامه توضیحات خود با اشاره به سیاست‌های نادرستی که در این حوزه گرفته شده، می‌گوید: «باید افرادی که چنین سیاست‌هایی گذاشتند، بازخواست شوند زیرا درحال حرکت به سمت جمعیتی سالمند هستیم، سالمندانی که نه

جامعه‌پذیری لازم و اقتضاتی دارد. مدارس باید استاندارد باشند تا امر جامعه‌پذیری به درستی در آن اتفاق بیفتد تا زمانی که استانداردهای لازم وجود نداشته باشند به هدف مورد نظر نمی‌توانیم دست پیدا کنیم.»

نقش محله‌ها در کاهش جرم

در محله به مدیریت شهری بازمی‌گردیم در این حالت است که احتمال‌های فیزیکیال به جای گفتمان تعیین تکلیف می‌کنند. این روزها دیگر همسایه‌ها در محله‌های مختلف بویژه در کلانشهرها شناختی از یکدیگر ندارند، این در حالی است که در زمان‌های قدیم همه افراد در هر محله‌ای به خوبی همدیگر را می‌شناختند که همین موضوع به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم به مدیریت شهری بازمی‌گردد و با ابعاد مختلف پیشگیری از وقوع جرم پیوند خورده است. برای باز شدن این موضوع و فهم آسان‌تر آن، انتظاری توضیح می‌دهد: «در سیاست‌های مدیریتی شهری با تراکم‌فروشی یک خانه دو طبقه به ساختمانی ۷ طبقه تبدیل شده و کم کم محله‌ها معنای قدیم خود را از دست داده‌اند. در شرایط اقتصادی امروز که بیشتر ساکنان سیاست‌های مهندسی‌زده فاقد پیوست اجتماعی، محله را نابود کردیم و عمدتاً با این کار شاهد افزایش ارادل و اوپاش هستیم، مثلاً با خراب کردن محله‌های قدیمی از جمله نواب و با کشیدن اتوبان افزایش چنین افرادی را محتمل کردیم. با این همه با توجه به مشکلات موجود، شهرداری احیای محله را در دستور کار دارد که فکر خوبی است و نباید در قالب شعار باقی بماند. در محله‌ها سیستم کنترل درونی وجود دارد در این برج‌های سر به فلک کشیده، معلوم نیست چه قانون و سازمانی وجود دارد و چه میزان در آنها تخلف صورت می‌گیرد. جامعه‌شناسان باید در این خصوص تحقیقات انجام داده و نظریه‌پردازی کنند که محله‌ها دوباره احیا شوند.»

در دوران پیشین یعنی قبل از آغاز کشیده شدن برج‌های سر به فلک کشیده، در محله‌های قدیمی کودکان، دوستانی داشتند که حالا ندارند و به جای بازی در کوچه پس کوچه‌های امن محله‌ها البته حالا در فضای افسار گسیخته مجازی رها شده‌اند. تمامی این موارد که ناشی از تخریب و محو محله‌ها شده دست به دست هم داده‌اند و بستر جرم و بزه را بیشتر از قبل فراهم کرده‌اند.

برادری، نه خواهری و نه خویشاوندی دارند، تنها تا ۲۰ سال دیگر شاهد افزایش تعداد چنین سالمندانی خواهیم بود.»

تربیت تست‌زن به جای تربیت انسان در مدارس

جامعه‌شناسان معتقدند که مدرسه در کنار عوامل دیگر باعث شده است تا تخریب و محو محله‌ها صورت می‌گیرد. جامعه‌شناسان باید در این خصوص تحقیقات انجام داده و نظریه‌پردازی کنند که محله‌ها دوباره احیا شوند.»

نقدی بر جنایت

سیستم کنترل موالید

مدتی است شاهد هستیم سیاستمداران و جامعه‌شناسان نگران در حوزه جمعیت‌شناسی نگران سالمندی جمعیت و حرکت به سمت کشوری با جمعیتی غیرفعال هستند. در حقیقت می‌توانیم بگوییم که سیستم کنترل موالید با جنایت برخی سبب شد به اینجا برسیم. این حرف تأسلف‌آور را انتظاری می‌زند و در ادامه توضیحات خود با اشاره به سیاست‌های نادرستی که در این حوزه گرفته شده، می‌گوید: «باید افرادی که چنین سیاست‌هایی گذاشتند، بازخواست شوند زیرا درحال حرکت به سمت جمعیتی سالمند هستیم، سالمندانی که نه



حسین نقی‌زاده / ایران

اجتماعی

یادداشت

دکترسهراب سلیم‌زاده

حقوقدان و وکیل پایه یک دادگستری

نقش قوه قضائیه و نهادهای مدنی در پیشگیری از وقوع جرم و کاهش پرونده‌های قضایی

جرم به‌عنوان مسأله‌ای مهم اقتدار حکومت‌های امروزی را به چالش کشیده و تضعیف کرده است. اکنون در عصری هستیم که جوامع با چالش‌ها و بحران‌های اجتماعی و سیاسی و البته گسترش جرم مواجه شده‌اند. بنابراین، در این بستر جرم‌زا، اتخاذ سیاست‌های مناسب و پیشگیرانه بیش از پیش ضرورت یافته است. سؤالی که در این خصوص مطرح می‌شود این است که چرا با توجه به مشخص شدن اهمیت و نقش پیشگیری، اقدامات حکومت‌ها در پیشگیری از وقوع جرم مؤثر نبوده است؟ آیا اقدامات حکومت‌ها ناکافی بوده است یا موضوع پیشگیری از وقوع جرم امری جمعی و فراتر از اقدامات حاکمیتی است و نقش نهادهای غیردولتی فراموش شده است؟

مطابق بند پنجم اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی، یکی از وظایف قوه قضائیه اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم است. اما ساختار و تصمیمات سازمانی پیشگیری از جرم در قوه قضائیه بر مبنای پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی، پیشگیری‌های وضعی، پیشگیری‌های امنیتی و انتظامی، پیشگیری‌های قضایی، پیشگیری‌های مردمی و مشارکت‌های مدنی شکل یافته است. باید توجه داشت ارتکاب جرم متعددی دارد ازجمله اینکه نظم و امنیت عمومی را با اخلال مواجه می‌سازد، هزینه تعقیب و محاکمه مرتکب را بر دولت تحمیل می‌نماید و جامعه را از بهره‌وری یکی از اعضای خود محروم می‌سازد. از همین رو در قانون اساسی بسیاری از نظام‌های حقوقی اهمیت خاصی برای پیشگیری از جرم قائل شده و مقررات خاصی را در این رابطه وضع می‌نمایند.

باید توجه کرد اگرچه در قانون اساسی، وظیفه «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان» بر عهده قوه قضائیه قرارگرفته است لکن قانونگذار در اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظایف پنج‌گانه‌ای را بر عهده قوه قضائیه قرار داده که انجام هر یک مستلزم برنامه‌ریزی، سیاستگذاری، تأمین منابع مالی و تشکیلات اجرایی و مانند آن است. از جمله این وظایف، تکلیف رسیدگی به دعاوی است که قالب کار قوه قضائیه را دربرمی‌گیرد و محدوده اجرایی آن تمام کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد. از سوی دیگر اقدامات قوه قضائیه در راستای پیشگیری از جرم بیشتر جنبه کیفری دارد. مضافاً اینکه گستره جغرافیایی و جمعیت گسترده مشمول پیشگیری و اصلاح، اجرای برنامه‌ها و تدابیر پیشگیرانه را دشوار می‌سازد. بر این اساس نقش نهادهای غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه پیشگیری و اصلاح اهمیت می‌یابد.

در واقع در شرایط جدید زندگی اجتماعی، قوه قضائیه (و یا دولت) به‌تنهایی توان کافی برای مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن در جهت دفاع از جامعه را ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد گسترش شیوه‌های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان در درون جامعه و واگذاری بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی به بخش خصوصی، گریزناپذیر است.

لذا به نظر می‌رسد نتیجه‌بخش بودن اقدامات و سیاست‌های پیشگیرانه در گرو استفاده بهینه از ظرفیت بخش خصوصی و جامعه مدنی است.

بخش خصوصی به‌عنوان رکنی مهم و قابل اتکا و قابل استفاده در رابطه با پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان است. واگذاری وظیفه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان (یا حداقل بخش قابل توجهی از آن) به بخش خصوصی باعث کاهش حجم وظیفه و تکالیف قوه قضائیه می‌گردد و موجب تمرکز بر وظایف دیگری و در نهایت بهبود عملکرد کلی می‌شود. همچنین اهتمام جدی نظام سیاسی و قضایی به جریان آزاد اطلاعات و اخبار با شفافیت کامل و به دور از هر نوع جانبداری جناحی باید باشد. این بسترسازی باعث بالا رفتن هزینه ارتکاب جرم، رسوا و افشا شدن جرم و عاملان آن و در نهایت مانع اقدام مجرمانه در جامعه می‌شود. در واقع، جریان آزاد اطلاعات سبب کسب اطلاعات واقعی از جامعه پیرامون ریشه‌های جرم و چالش‌های جرم‌زا می‌شود. همچنین، این امر باعث رسوایی مجرمان و سلب هر نوع انگیزه و تمایل به ارتکاب جرم می‌شود. وجود جریان آزاد اطلاعات و نهادهای مدنی قوی و متعهد به قانون و مصالح جمعی می‌تواند به مثابه سدی مهم در مقابل فساد و جرم از طریق افشاکاری و سییج افکار عمومی عمل کند.

شواهد حاکی از آن هستند که تشکیلات قضایی از حساسیت بالا به مقوله شفافیت برخوردار نبوده‌اند. این نقد بویژه در ارتباط با جرایم اقتصادی و برخی مقاصد کلان اقتصادی صدق می‌کند، چنانکه راجع به عاملان فساد اقتصادی، اطلاع‌رسانی شفاف کمتر مورد توجه بوده است و نام مجرمان به‌صورت مستعار یا ناقص از طریق رسانه‌ها پخش می‌شود. در کشورهای اروپایی و برخی کشورهای شرق آسیا، وجود گردش آزاد اطلاعات به‌عنوان پشتوانه‌ای جدی برای نظام قضایی به منظور پیشگیری از فساد و جرم و جلوگیری از ساختاری شدن آنها عمل کرده است، حال آنکه نظام قضایی در ایران از این پشتوانه در حد انتظار مطلوب استفاده نکرده است. استفاده از این پشتوانه می‌تواند افکار عمومی را با نظام قضایی برای پیشگیری از جرم و رسوا کردن عاملان آن همراه سازد. بهترین تعبیر در این ارتباط استفاده از وجدان عمومی جامعه در پیشگیری از جرم و تکوینش عاملان و مسببان آن است که به خاطر گردش آزاد اطلاعات شکل می‌گیرد.

در این چهارچوب، پیشگیری از جرم به صرف طرح استقبال نظام قضایی از مشارکت نهادهای مدنی تحقق نمی‌یابد. از این‌رو، اهتمام جدی نظام قضایی به تعامل با جامعه مدنی و نهادهای مدنی و استفاده از آنها به‌عنوان مکمل نظام قضایی می‌تواند در پیشگیری از جرم و بسط مدار و آزادی‌های مشروع فردی و جمعی بسیار مفید باشد. امروزه تعامل نهادهای مدنی با حکومت نیروی حیاتی و خون لازم برای بقای دموکراسی و حکمرانی خوب تلقی می‌شود؛ نتیجه این تعامل پاسخگویی، کارآمدی و ثبات یا استمرار حکومت است.

نظام قضایی در ایران، باید برای اعتمادسازی و کسب پشتیبانی فکری، مشاوره‌ای و اطلاع‌رسانی جامعه مدنی در امر مبارزه با جرم و عاملان آن و شناسند شیوه‌های جرم‌زا و نحوه خشکاندن آن اقدام کند. اما شواهد موجود در حد مطلوب این موضوع را تأیید نمی‌کنند. رسانه‌ها نیز در امر اطلاع‌رسانی پیرامون جرایم با محدودیت‌های درخور توجهی مواجه هستند.

نظام قضایی در امر پیشگیری از جرم و بسترهای جرم باید زمینه را برای بیان آزادانه انتقادات و چالش‌ها از زبان جامعه مدنی فراهم سازد؛ در این صورت، مشارکت مدنی قوت بیشتری به خود می‌گیرد و زمینه‌های تعامل قوی بین آن دو فراهم می‌شود.

در مجموع، نهادهای مدنی دارای کارکردهایی مهم هستند که می‌توانند هم بسترساز مشارکت و همکاری مردم با پلیس و دستگاه قضایی در پیشگیری از جرم باشند و هم با افزایش آگاهی، تغییر نگرش و فرهنگ‌سازی، هزینه اجتماعی ناشی از ارتکاب جرم را افزایش دهند و فرهنگی سالم را ترویج کنند. البته مهم‌ترین کارکردهای آنها آموزش، حمایت از اعضا در برابر مجرمان و گروه‌های تبهکار و افشاکر در مورد عاملان جرم و چالش‌ها است.



در سیاست‌های مدیریت شهری با تراکم‌فروشی یک خانه دو طبقه به ساختمانی ۷ طبقه تبدیل شده و کم کم محله‌ها معنای قدیم خود را از دست داده‌اند.

در شرایط اقتصادی امروز که بیشتر ساکنان سیاست‌های مهندسی‌زده فاقد پیوست اجتماعی، محله را نابود کردیم و عمدتاً با این کار شاهد افزایش ارتداد و اوپاش هستیم، مثلاً با خراب کردن محله‌های قدیمی از جمله نواب و با کشیدن اتوبان افزایش چنین افرادی را محتمل کردیم. با این همه با توجه به مشکلات موجود، شهرداری احیای محله را در دستور کار دارد که فکر خوبی است و نباید در قالب شعار باقی بماند. در محله‌ها سیستم کنترل درونی وجود دارد در این برج‌های سر به فلک کشیده، معلوم نیست چه قانون و سازمانی وجود دارد و چه میزان در آنها تخلف صورت می‌گیرد. جامعه‌شناسان باید در این خصوص تحقیقات انجام داده و نظریه‌پردازی کنند که محله‌ها دوباره احیا شوند.»

در دوران پیشین یعنی قبل از آغاز کشیده شدن برج‌های سر به فلک کشیده، در محله‌های قدیمی کودکان، دوستانی داشتند که حالا ندارند و به جای بازی در کوچه پس کوچه‌های امن محله‌ها البته حالا در فضای افسار گسیخته مجازی رها شده‌اند. تمامی این موارد که ناشی از تخریب و محو محله‌ها شده دست به دست هم داده‌اند و بستر جرم و بزه را بیشتر از قبل فراهم کرده‌اند.

مطابق بند پنجم اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی، یکی از وظایف قوه قضائیه اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم است. اما ساختار و تصمیمات سازمانی پیشگیری از جرم در قوه قضائیه بر مبنای پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی، پیشگیری‌های وضعی، پیشگیری‌های امنیتی و انتظامی، پیشگیری‌های قضایی، پیشگیری‌های مردمی و مشارکت‌های مدنی شکل یافته است. باید توجه داشت ارتکاب جرم متعددی دارد ازجمله اینکه نظم و امنیت عمومی را با اخلال مواجه می‌سازد، هزینه تعقیب و محاکمه مرتکب را بر دولت تحمیل می‌نماید و جامعه را از بهره‌وری یکی از اعضای خود محروم می‌سازد. از همین رو در قانون اساسی بسیاری از نظام‌های حقوقی اهمیت خاصی برای پیشگیری از جرم قائل شده و مقررات خاصی را در این رابطه وضع می‌نمایند.

مطابق بند پنجم اصل یکصد و پنجاه و شش قانون اساسی، یکی از وظایف قوه قضائیه اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم است. اما ساختار و تصمیمات سازمانی پیشگیری از جرم در قوه قضائیه بر مبنای پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی، پیشگیری‌های وضعی، پیشگیری‌های امنیتی و انتظامی، پیشگیری‌های قضایی، پیشگیری‌های مردمی و مشارکت‌های مدنی شکل یافته است. باید توجه داشت ارتکاب جرم متعددی دارد ازجمله اینکه نظم و امنیت عمومی را با اخلال مواجه می‌سازد، هزینه تعقیب و محاکمه مرتکب را بر دولت تحمیل می‌نماید و جامعه را از بهره‌وری یکی از اعضای خود محروم می‌سازد. از همین رو در قانون اساسی بسیاری از نظام‌های حقوقی اهمیت خاصی برای پیشگیری از جرم قائل شده و مقررات خاصی را در این رابطه وضع می‌نمایند.

باید توجه کرد اگرچه در قانون اساسی، وظیفه «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان» بر عهده قوه قضائیه قرارگرفته است لکن قانونگذار در اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظایف پنج‌گانه‌ای را بر عهده قوه قضائیه قرار داده که انجام هر یک مستلزم برنامه‌ریزی، سیاستگذاری، تأمین منابع مالی و تشکیلات اجرایی و مانند آن است. از جمله این وظایف، تکلیف رسیدگی به دعاوی است که قالب کار قوه قضائیه را دربرمی‌گیرد و محدوده اجرایی آن تمام کشور را تحت پوشش قرار می‌دهد. از سوی دیگر اقدامات قوه قضائیه در راستای پیشگیری از جرم بیشتر جنبه کیفری دارد. مضافاً اینکه گستره جغرافیایی و جمعیت گسترده مشمول پیشگیری و اصلاح، اجرای برنامه‌ها و تدابیر پیشگیرانه را دشوار می‌سازد. بر این اساس نقش نهادهای غیردولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در زمینه پیشگیری و اصلاح اهمیت می‌یابد.

در واقع در شرایط جدید زندگی اجتماعی، قوه قضائیه (و یا دولت) به‌تنهایی توان کافی برای مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از آن در جهت دفاع از جامعه را ندارد. بنابراین به نظر می‌رسد گسترش شیوه‌های پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان در درون جامعه و واگذاری بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه و اصلاحی به بخش خصوصی، گریزناپذیر است.

لذا به نظر می‌رسد نتیجه‌بخش بودن اقدامات و سیاست‌های پیشگیرانه در گرو استفاده بهینه از ظرفیت بخش خصوصی و جامعه مدنی است.

بخش خصوصی به‌عنوان رکنی مهم و قابل اتکا و قابل استفاده در رابطه با پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان است. واگذاری وظیفه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان (یا حداقل بخش قابل توجهی از آن) به بخش خصوصی باعث کاهش حجم وظیفه و تکالیف قوه قضائیه می‌گردد و موجب تمرکز بر وظایف دیگری و در نهایت بهبود عملکرد کلی می‌شود. همچنین اهتمام جدی نظام سیاسی و قضایی به جریان آزاد اطلاعات و اخبار با شفافیت کامل و به دور از هر نوع جانبداری جناحی باید باشد. این بسترسازی باعث بالا رفتن هزینه ارتکاب جرم، رسوا و افشا شدن جرم و عاملان آن و در نهایت مانع اقدام مجرمانه در جامعه می‌شود. در واقع، جریان آزاد اطلاعات سبب کسب اطلاعات واقعی از جامعه پیرامون ریشه‌های جرم و چالش‌های جرم‌زا می‌شود. همچنین، این امر باعث رسوایی مجرمان و سلب هر نوع انگیزه و تمایل به ارتکاب جرم می‌شود. وجود جریان آزاد اطلاعات و نهادهای مدنی قوی و متعهد به قانون و مصالح جمعی می‌تواند به مثابه سدی مهم در مقابل فساد و جرم از طریق افشاکاری و سییج افکار عمومی عمل کند.

شواهد حاکی از آن هستند که تشکیلات قضایی از حساسیت بالا به مقوله شفافیت برخوردار نبوده‌اند. این نقد بویژه در ارتباط با جرایم اقتصادی و برخی مقاصد کلان اقتصادی صدق می‌کند، چنانکه راجع به عاملان فساد اقتصادی، اطلاع‌رسانی شفاف کمتر مورد توجه بوده است و نام مجرمان به‌صورت مستعار یا ناقص از طریق رسانه‌ها پخش می‌شود. در کشورهای اروپایی و برخی کشورهای شرق آسیا، وجود گردش آزاد اطلاعات به‌عنوان پشتوانه‌ای جدی برای نظام قضایی به منظور پیشگیری از فساد و جرم و جلوگیری از ساختاری شدن آنها عمل کرده است، حال آنکه نظام قضایی در ایران از این پشتوانه در حد انتظار مطلوب استفاده نکرده است.

استفاده از این پشتوانه می‌تواند افکار عمومی را با نظام قضایی برای پیشگیری از جرم و رسوا کردن عاملان آن همراه سازد. بهترین تعبیر در این ارتباط استفاده از وجدان عمومی جامعه در پیشگیری از جرم و تکوینش عاملان و مسببان آن است که به خاطر گردش آزاد اطلاعات شکل می‌گیرد.

در این چهارچوب، پیشگیری از جرم به صرف طرح استقبال نظام قضایی از مشارکت نهادهای مدنی تحقق نمی‌یابد. از این‌رو، اهتمام جدی نظام قضایی به تعامل با جامعه مدنی و نهادهای مدنی و استفاده از آنها به‌عنوان مکمل نظام قضایی می‌تواند در پیشگیری از جرم و بسط مدار و آزادی‌های مشروع فردی و جمعی بسیار مفید باشد. امروزه تعامل نهادهای مدنی با حکومت نیروی حیاتی و خون لازم برای بقای دموکراسی و حکمرانی خوب تلقی می‌شود؛ نتیجه این تعامل پاسخگویی، کارآمدی و ثبات یا استمرار حکومت است.

نظام قضایی در ایران، باید برای اعتمادسازی و کسب پشتیبانی فکری، مشاوره‌ای و اطلاع‌رسانی جامعه مدنی در امر مبارزه با جرم و عاملان آن و شناسند شیوه‌های جرم‌زا و نحوه خشکاندن آن اقدام کند. اما شواهد موجود در حد مطلوب این موضوع را تأیید نمی‌کنند. رسانه‌ها نیز در امر اطلاع‌رسانی پیرامون جرایم با محدودیت‌های درخور توجهی مواجه هستند.

نظام قضایی در امر پیشگیری از جرم و بسترهای جرم باید زمینه را برای بیان آزادانه انتقادات و چالش‌ها از زبان جامعه مدنی فراهم سازد؛ در این صورت، مشارکت مدنی قوت بیشتری به خود می‌گیرد و زمینه‌های تعامل قوی بین آن دو فراهم می‌شود.

در مجموع، نهادهای مدنی دارای کارکردهایی مهم هستند که می‌توانند هم بسترساز مشارکت و همکاری مردم با پلیس و دستگاه قضایی در پیشگیری از جرم باشند و هم با افزایش آگاهی، تغییر نگرش و فرهنگ‌سازی، هزینه اجتماعی ناشی از ارتکاب جرم را افزایش دهند و فرهنگی سالم را ترویج کنند. البته مهم‌ترین کارکردهای آنها آموزش، حمایت از اعضا در برابر مجرمان و گروه‌های تبهکار و افشاکر در مورد عاملان جرم و چالش‌ها است.